وضعيت اشتغال زنان

دكتر ثريا مكنون

مقدمه

در طبقه بندى موضوعات مربوط به زنان و بررسى آن, بعضى عناوين مانند تحصيل زنان, اشتغال زنان, حق طلاق, حضانت فرزندان, حق مالكيت بيش از ساير عناوين مورد توجه و دقت گرفته است.

موضوعات فوق را به دو شكل كلى مى توان بررسى نمود:

1ـ با نگرش مقطعى به موضوع, بدون در نظر گرفتن ابعاد آن و ارتباط موضوع با ساير موضوع ها;

2ـ توجه به ريشه و مبناى موضوع و ملحوظ داشتن رابطه آن موضوع با علت پيدايش آن در تحليل و بررسى.

مسلما هر يك از روش هاى فوق نتيجه اى متفاوت و خاص خود را خواهد داشت. بررسى سطحى موضوع نه تنها نمى تواند آسيب شناسى عميق را نتيجه دهد, كه از ارايه راه حل براى رفع معضل در همان مقطع نيز عاجز است.

موضوعى كه در اين مقاله با نگرش دوم و نقد نگرش اول به آن پرداخته مى شود موضوع ((اشتغال زنان)) است.

تعريف اشتغال

در هر نوع بررسى سوالى كه ابتدا به ذهن متبادر مى شود تعريف خود ((موضوع)) مى باشد كه اشتغال و شغل يعنى چه؟ منظور از طرح عنوانى مانند وضعيت اشتغال زنان چيست؟ با دو نگرشى كه در ابتداى مقاله ذكر شد, دو نوع پاسخ براى اين سوال مى توان يافت:

الف ـ اشتغال به معناى حضور در ساختار اجتماعى آن هم بدليل بهره ورى اقتصادى;

ب ـ اشتغال به معناى دارا بودن سهم تإثير در تكامل جامعه.

1ـ با فرض پذيرش تعريف اول كه تعريفى ساخته شده در سطح بين المللى و ترجمه Employment)) )) است و امروز نيز تقريبا كليه مطالعات بر مبناى اين تعريف انجام مى گيرد, داراى محدوديت هاى بسيارى است. اشتغال در اين شكل به معناى دارا بودن پست رسمى درون يك ساختار (اعم از دولتى يا خصوصى) است كه شاخصه اى براى گردآورى آمار رسمى در كشور براى مقايسه در سطح جهانى مى باشد.

اين شاخصه تعيين كننده معيارهاى ديگر; مانند ميزان سواد, كارآيى, و نهايتا تشخص اجتماعى مى باشد. اين نگرش به دليل محدوديت, بسيارى از مشاغل يا مشغوليت ها را كه مستقيما سود اقتصادى ندارد, حذف مى كند.

2ـ با پذيرش فرض دوم, يعنى موثر بودن در تكامل جامعه, نمونه هايى مى توان يافت كه به معناى اول و متداول شاغل نيستند, ولى در تغيير وضعيت سياسى, فرهنگى و حتى اقتصادى جهان نقش مهم و اصولى داشتند.

حضرت امام خمينى(ره) با اين تعريف, در تمام زندگى خود شاغل بود, به معناى مشغول بودن به ((نجات يك وهله از تاريخ بشر)) و ((ايجاد يك نقطه عطف در تكامل مديريت عالم)) كه منتهى به يك انقلاب عظيم جهانى گرديد.

پيامدهاى اشتغال امام خمينى(ره) گستردگى قيام در جهان مستضعفان است كه با ارتحال ظاهرى, كار وى متوقف نشد و لذا فرمايش مقام معظم رهبرى (دام ظله العالى) كه ((امام خمينى يك حقيقت هميشه زنده است)) عملا محقق شده است. فردى كه هر روز هزاران نفر را به راهى مى خواند كه راه نجات انسان ها است و همه روزه به طرفداران وى اضافه مى شود, طرفدارانى كه با راه او سوگند وفادارى مى خورند.

تعريف اشتغال زنان در سه سطح

اشتغال زنان در سه سطح خرد, كلان و توسعه تعريف مى شود:

1ـ اشتغال براى تإمين زندگى خصوصى (زندگى خانوادگى);

2ـ سهيم بودن در ايجاد عدالت اجتماعى ـ سياسى ـ فرهنگى ـ اقتصادى يا نظام موازنه (زندگى اجتماعى);

3ـ اشتغال به معناى سهيم بودن در تكامل (زندگى تاريخى).

1. اشتغال در عرف اجتماعى امروز (سطح خرد)

تعريفى كه امروز از اشتغال زنان ارائه شده و موضوع مطالعه و بررسى و ارائه راه حل قرار گرفته, اگر نتوان گفت كه كاملا, ولى به جرإت مى توان گفت قريب به اتفاق فعاليت ها در جهت تإييد تعريف در سطح اول, يعنى تإمين زندگى خصوصى و پرداختن به موضوع در سطح خرد مى باشد. با بزرگ نمودن موضوعات شخصى و ناهنجارىهاى ناشى از آن, رفتارهاى فردى محور تحقيق و بررسى در موضوعات مربوط به زنان, بويژه وضعيت شغلى آنان است و تقريبا هرگز از سهيم بودن زنان (آن هم زنان انقلابى ايران) در تكامل و تغيير جهت توسعه جهانى سخنى به ميان نمىآيد.

بررسى در سطح خرد و تعريف اقتصادى از اشتغال, تبليغ و اشاعه اين مطلب است كه زنان بايد بتوانند با دارا بودن شغل خارج از منزل به استقلال اقتصادى دست يابند, تا به شوهر وابسته نباشند يا در اجتماع حضور داشته باشند.

در اين شكل كه به تكامل تاريخى و ريشه ناهنجارىهاى اجتماعى توجه نمى شود و خود محورى اصل قرار مى گيرد, به طور طبيعى فريفته گرى فردى و تبرج براى فريفتن ديگران هدف مى شود و آنگاه معنى اصلى هنر زن بودن در تجمل و تفاخر قابل مشاهده است. نمونه بارز و عينى اين نگرش را مى توان در ترويج و تبليغ آموزشهايى در موضوعات آرايش و زيبايى, سفره آرايى, پخت و پز تجملى, كلاس هاى هنرهاى دستى تزيينى, كه موجب تفاخر و توجه به دنيا براى دنيا مى شود, مشاهده نمود. فريفته گرى در چشايى, و بينايى به عنوان نمونه هنر عينى زن بودن تلقى مى شود و اشتغال, اگر هم بخواهد گسترده تر از معناى دارا بودن شغل رسمى تلقى شود, اين قبيل آموزش ها و مشغوليات را شامل مى شود.

1/1.عوارض ناشى از تعريف اقتصادى و خرد از اشتغال

حاصل چنين نگرشى, تحقير كرامت زن و تضعيف توانايى هاى روحى و ذهنى زنان مى باشد. تنزل جايگاه زنان به سطح خرد و فردى و پافشارى بر احقاق حقوق خرد به جاى تنظيم برنامه حضور زنان در انقلاب ها و در نظام موازنه ى عدالت اجتماعى, درشت شدن ناهنجارىهايى خواهد بود كه معلول نظام توزيع قدرت, توزيع اطلاع و توزيع ثروت است و موجب انحراف از مسايل اصولى مى شود كه زنان بايد به آن بينديشند و در آن جهت حركت نمايند. از جمله مسايل اصولى, تفكر و انديشه در زير بناى تعاريف عمومى و پيشنهاد در تغيير و تحليل معيارهاى پذيرفته شده در سطح جهان است.

2. اشتغال به معناى سهيم بودن در نظام موازنه اجتماعى

سهيم بودن در ايجاد نظام موازنه اجتماعى, كه يك درجه از پرداختن به موضوعات شخصى بالاتر است, توسط تشكيل گروهها و انجمن ها و تلاش در فعاليت هاى گروهى و ايجاد عدالت براى قشر زنان صورت مى گيرد كه آن هم با نگرش توسعه اى فاصله دارد.

موازنه اجتماعى از طريق سهيم بودن در تخصيص هاى كلان و مسووليت پذيرى زن نسبت به ارتقإ راندمان عوامل اجتماعى در گسترش عدالت سياسى, عدالت فرهنگى و عدالت اقتصادى ايجاد مى شود. اگر چه اين كار توسط تشكل هاى اجتماعى و سازمانى صورت مى گيرد, ولى علت به وجود آمدن تشكل ها و سازمان ها ايجاد انگيزه و حساسيت نسبت به مسايل كلان جهانى و شناخت ريشه ستم گرى و ستم كشى و مقابله با آن است و اين امر نهايتا براى موضع گيرى در ايجاد عدالت سياسى و بالا بردن حضور در تصميم گيرى است .

به عبارت ديگر, نه تنها حساسيت زنان بايد نسبت به عدل و ظلم در ابعاد سه گانه سياست, فرهنگ و اقتصاد جهت داده شود, كه خود به عنوان مسوول گسترش ايثار (در سياست), مسوول گسترش هنر (در فرهنگ) و مسوول گسترش زهد اجتماعى و نه زهد فردى (در اقتصاد) در جامعه بايد شناخته شوند.

3. اشتغال زنان به منظور توسعه و تكامل

در شكل سوم, شاغل بودن به معناى رها كردن زنان از افكار خرد و خود محورانه به افكار بلند و خداگرايانه تعريف مى شود. با تعريف تكامل گرا, زنان بسيارى كه در جامعه فعال هستند, با خدماتى كه ارائه مى دهند, در توسعه سهيم شده و جزء شاغلين محسوب مى شوند.

توسعه در صورتى حاصل مى شود كه محور زندگى زن, تكامل تاريخ باشد; يعنى در سطوح دوم و سوم پيشرفت, تعريفى كه براى موازنه اجتماعى داده مى شود جدا از محور تاريخى نيست و در زندگى خصوصى نيز حق بهره ورى زن مستقل از عدالت و تكامل تعريف نمى شود. به عبارت ديگر اگر مورد اشتغال تكامل تاريخ باشد, عمده ترين وظيفه زن حتى در خانه (مقياس خرد) ايجاد شرايط توليد ايثار و آموزش ايثار خواهد بود.

1/3. زنان موثر در تكامل تاريخ

در اين تعريف, زنانى كه داراى نقش اساسى در تاريخ اسلام و شيعه و به تبع آن در پيروزى و تداوم انقلاب اسلامى داشتند شاغل به حساب مىآيند. در حالى كه با تعريف معمول, زنان بزرگى كه در تاريخ شيعه در تكامل تاريخ تإثير داشتند غير شاغل محسوب مى شوند. به علاوه شعرا و ادباى بزرگ ايران شاغل به حساب نمىآيند; زيرا درآمد اقتصادى نداشتند. لذا ملاك و سنجش جايگاه زنان, به صورت فردى يا گروهى بايد اين باشد كه هر فرد چه ميزان از تعهد خود را نسبت به تكامل بهتر مى تواند انجام دهد.

به ميزان تإثيرى كه يك زن در تكامل انسانيت و پرورش ايثار دارد (چه با دارا بودن شغل اجتماعى, چه خانه دار بودن و چه با فعاليت هاى گوناگون ديگر) در جامعه داراى ارزش و احترام است و براى ديگران الگو و نمونه قرار مى گيرد.

1/1/3. زنان موثر در توليد ايثار

اگر در جامعه توسعه ايثار, اصل و محور قرار گرفت, مديريت آن به دست زنان, كه مجرى پرورش محبت در جامعه هستند خواهد بود. به عبارت ديگر, استراتژى اين جامعه به گونه اى مى شود كه كرامت انسان بالا رود و به جاى استكبار, ايثار و در جاى ظلم, محبت بوجود آيد. عوامل اجتماعى كه مى تواند محبت را ايجاد كرده و توسعه دهد, زنان هستند. لذا از اين طريق زنان حضور مستقيم در تكامل خواهند داشت.

2/1/3. زنان در خدمت فرهنگ بيگانه

زنى كه درآمد كلان از كار در يك شركت خصوصى يا سازمان دولتى دارد, و آن را در يك خود كامگى و حرص هزينه كرده يا براى تبليغ فرهنگ غرب خرج مى كند, در اين گروه قرار دارد كه در بهينه سازى وضعيت جامعه بايد از احترام و تجليل كمترى نسبت به كسى كه در خدمت نظام اسلامى است و زندگى ساده و كم تجملى دارد, برخوردار گردد.

لذا با تعريف اشتغال به معناى ميزان سهم تإثير در تكامل, سهم تإثير زن ها بيش از اين كه در سازمان خدمات دولتى قابل تعريف باشد, در فرهنگ نظام استكبارى تعريف مى شود و اگر نسبت تإثير و كارآيى شخص را در سمت وى ضرب كنيم, به ميزانى كه سمت و منصب اجتماعى زن بالا مى رود (و به عنوان الگو در جامعه مطرح مى شود), ميزان تإثير كار آمدى او در آن سمت ضريب پيدا مى كند و بنابراين زنى كه داراى مسووليتى هست و عملكرد خوبى ندارد در واقع قبح بد بودن را از بين مى برد و معناى خوبى را عوض مى كند.

2/3. هدف اشتغال در چند سطح

در يك نمونه مى توان سير توجه به انجام يك فعاليت شغلى سطح خرد و شخصى تا سطح توسعه اى را نشان داد:

وقتى زنى بافتن يك ژاكت را براى همسر يا فرزندش به عهده مى گيرد, چند هدف در چند سطح مى تواند داشته باشد:

الف ـ توجه به تفاخر و تجمل گرايى (گرايش فردى);

ب ـ توجه به هزينه زندگى و صرفه جويى در اقتصاد خانواده (گرايش خانوادگى);

جـ توجه به نظام اجتماعى و دولت و انجام كار به منظور صرفه جويى در مصرف ارز كشور (گرايش ملى و دولتى);

دـ توجه به نظام اسلامى و رساندن صداى اسلام به جهان (توجه به اسلام);

در شكل آخر, آن زن توجه دارد كه اگر كشور مقروض باشد, جايگاه آن در سطح جهانى ضعيف مى شود و نمى تواند صداى رهبرى و صداى اسلام را به جهان برساند.

در دو سطح اول, لذت بردن از خود, محور و اصل است. در سطح سوم (يعنى ارتباط كلان) لذت بردن از غير خود و در سطح نهايى لذت بردن خود از يك محور پرستش در انجام فعاليت مورد نظر است.

بر اساس آن چه كه تاكنون بيان شد, دو هدف كلى را مى توان به عنوان زيربناى برنامه هاى اجتماعى ذكر نمود:

1ـ اصل بودن فرد;

2ـ اصل بودن تكامل اجتماعى.

اگر شكل دوم به عنوان هدف و مبناى برنامه قرار گيرد, يعنى فرد براى تكامل اجتماعى فدا شود, آن وقت زنانى كه زندگى خود و خانواده را وقف تكامل جامعه نموده اند, مانند همسران و مادران شهدا, همسران جانبازان و ساير زنانى كه ايثار گرانه زندگى مالى و وقت خود را وقف رسيدگى به نيازمندان در سطح ملى و جهانى نموده اند, زنانى با فرهنگ, داراى كرامت انسانى و نهايتا ((مشغول)) هستند كه اشتغال آنها مورد احترام جامعه است.

4/3. سازمان مطلوب براى اشتغال زنان

براى اين كه زنان بتوانند در تغيير تعريف هنر و زيبايى شناسى در جهت الهى نقش محورى داشته باشند, بايد ابتدا سازمانى تإسيس كنند كه زنان در آن سازمان با حفظ خصوصيات زنانگى, خود را مسوول گسترش عواطف جامعه بدانند. عواطفى كه حساسيت آن روى ايثار است يا حساسيت هاى كه منجر به فهم شيوه هايى براى رشد هنر خاصى است و هنرى كه در توسعه انديشه نقش دارد و نهايتا سازمانى كه بتوانند موضع گيرى زن ها را تغيير دهد.